

تاریخ دریافت مقاله: ۸۰/۸/۱

بررسی مقاله: ۸۱/۴/۳

پذیرش مقاله: ۸۱/۸/۱۴

مجله علوم تربیتی و روانشناسی

دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۱

دوره سوم، سال نهم، شماره‌های ۱ و ۲

صص: ۱۷-۵۲

رابطه هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله هشتم آن - کمال در برابر نومییدی - در سالمندان استان خوزستان

دکتر فاطمه کیانپور قهفرخی *

دکتر جمال حقیقی *

دکتر حسین شکرکن *

دکتر بهمن نجاریان *

چکیده

در این پژوهش، رابطه ساده و چندگانه هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله هشتم آن - کمال در برابر نومییدی - در سالمندان استان خوزستان بررسی گردید. افراد شرکت کننده در نمونه اصلی تحقیق شامل ۴۶۹ سالمند (۲۳۷ زن و ۲۳۲ مرد) بودند که به وسیله "مقیاس تجدیدنظر شده مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون" مورد مطالعه قرار گرفتند. همچنین، پیش از اجرای پژوهش، از یک نمونه ۵۰ نفری برای ارزیابی مقدماتی مقیاس مورد نظر و نیز از یک نمونه ۱۷۰ نفری دیگر برای اعتباریابی همان مقیاس استفاده به عمل آمد. برای تحلیل داده‌ها، علاوه بر روشهای توصیفی، روشهای همبستگی ساده و رگرسیون چندگانه نیز به کار بسته شد. در این پژوهش، مجموعاً ۲۴ فرضیه برای کل سالمندان و زنان و مردان سالمند به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. همه این فرضیه‌ها تأیید شدند و نشان دادند که نظریه اریکسون علاوه بر فرهنگهای غربی، در فرهنگ ما نیز کاربرد دارد.

کلید واژگان: مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون، کمال در برابر نومییدی، سالمندی

مقدمه

اجتماعی پدید آمده، پیش‌بینی شده است. چگونگی حل هر بحران بر بحرانها و مراحل بعدی رشد اثر می‌گذارد. در واقع، حل بحران به "من"^۷ نیرو می‌بخشد و به حل بحران مرحله بعد به طور مثبت کمک می‌کند. گرچه هر یک از مراحل با بحران یا تعارض خاص خود مشخص می‌شود، لیکن تأثیر هر یک به همه گستره فرایند رشد گسترش می‌یابد. اینک پس از این مقدمه کوتاه، به شرح و توصیف مراحل هشتگانه رشد روانی - اجتماعی اریکسون و بازنگری پژوهشهای مرتبط با آن می‌پردازیم.

مراحل هشتگانه رشد روانی - اجتماعی

مرحله ۱. اعتماد در برابر بی‌اعتمادی^۸
در نخستین سال حیات، نوزاد آدمی موجودی است درمانده و ناتوان و برای زندگی و بقا به شخص دیگری که معمولاً مادر است

بهبود شرایط زندگی، تغذیه مناسب و مراقبتهای پزشکی و بهداشتی و به تبع آن افزایش سن متوسط سالمندان و بالا رفتن جمعیت سالمندی و بروز مسائل مرتبط با آن، به عنوان یکی از علتهای عمده توجه پژوهشگران به مطالعه سالمندی شناخته شده است (بونند، کولمن و پیس^۱، ۱۹۹۳). گرچه در چند دهه اخیر، از سوی برخی از صاحب‌نظران یک سلسله مفاهیم مهم در خصوص هدفها، نگرشها، احساسات و به طور کلی سلامت و استواری شخصیت سالمندان طرح و پیشنهاد شده است، لیکن هیچ یک از آنها به سبب ضعف زمینه نظری، پذیرش همگانی نیافته است. در مقابل، دیدگاه اریکسون^۲ (سیگل من^۳، ۱۹۹۹؛ میوآس^۴، ۱۹۹۶) در زمینه رشد روانی - اجتماعی^۵، به دلیل برخورداری نسبی از استحکام و جامعیت نظری، مورد توجه و امعان نظر قرار گرفته است. در نظریه اریکسون، برای فرایند رشد که تمام گستره حیات را در برمی‌گیرد، هشت مرحله که هر یک به یکی از مقاطع سنی حیات اختصاص دارد، در نظر گرفته شده است. برای هر یک از این مراحل نیز یک بحران یا تعارض روانی - اجتماعی^۶ که از ترکیب رشد زیستی و خواسته‌های روانی -

1- Bond, Coleman & Peace

2- Erikson

3- Sigelman

4- Muuss

5- Psychosocial development

6- Psychosocial Crisis

7- Ego

8- Trust vs. mistrust

وابسته است. به نظر اریکسون (۱۹۶۳)، (۱۹۵۰)، هر چند که در این مرحله، رفع نیازهای مادی از اهمیت خاصی برخوردار است، کودک به یک رابطه اجتماعی مطلوب نیز نیازمند است. بنابراین، پیوند کودک با محیط تنها به یک رابطه زیستی محدود نمی شود، بلکه به تدریج یک نوع رابطه اجتماعی نیز که عبارت از تعامل بین مادر و نوزاد است در کودک پدیدار می گردد. اگر مادر و مراقبان دیگر نسبت به نیازهای فیزیکی نوزاد پاسخگو باشند و با مهر و عطوفت او را بپذیرند و برای او امنیت و آسایش فراهم کنند، زمینه برای بروز حس اعتماد به وجود می آید. اما اگر مادر و مراقبان دیگر نسبت به نوزاد بی توجه و یا طردکننده باشند، به تدریج حس بی اعتمادی نسبت به دیگران شکل می گیرد و بر زندگی کودک و پیوندش با دیگران اثر منفی می گذارد. از دیدگاه اریکسون، نگاه کودک به جهان در مراحل بعدی رشد از همین رابطه اجتماعی آغازین متأثر می گردد. این رابطه نشان خواهد داد که آیا نوزاد با نگرش اعتمادآمیز به جهان خواهد نگرست یا با شک و تردید و بی اعتمادی.

سرعت رشد می کنند و بر اثر کسب مهارتهای جدید به انجام کارهای گوناگون مبادرت می ورزند. در این مرحله، آنان نه تنها می توانند راه بروند، اشیاء را به سوی خود بکشند و یا آنها را به این طرف و آن طرف پرت کنند، بلکه می توانند با دیگران نیز به خوبی ارتباط برقرار کنند. کودکان از این که می توانند برخی کارها را به تنهایی و مستقلاً انجام دهند احساس شادمانی و غرور می کنند. گرچه کودکان هنوز به مراقبان، به ویژه به مادر خود، وابسته اند لیکن می توانند تا اندازه ای دست به انتخاب بزنند، روی پای خود بایستند و به نوعی احساس خودمختاری و یا استقلال کنند. اگر به کودکان اجازه داده نشود تا به تنهایی به انجام برخی کارها دست بزنند و از تجربه شخصی لذت ببرند ممکن است نسبت به توان و ظرفیت خود احساس شک و تردید کنند. چون در سالهای دوم و سوم حیات کودکان تمرین خودمختاری یا استقلال عمل می کنند باید به آنان اجازه داد تا آرام آرام گام بردارند و نسبت به استعدادها و قابلیت های خود اعتماد کنند. نکته مهم دیگر آن که پدر و مادر باید در برابر برخی از رفتارها و اعمال ناشیانه کودک که آمیخته با استقلالند، از خود تحمل و بردباری نشان دهند

مرحله ۴. استقلال در برابر شک و تردید^۱
کودکان در سالهای دوم و سوم زندگی به

1- Autonomy vs. shame, doubt

و از شرمسار شدن کودک جلوگیری کنند. خانواده زمینه برای خیالپردازی، خلاقیت و ابتکار فراهم نباشد، ممکن است به کودکان از درگیر شدن با فعالیتهای خودانگیخته احساس گناه دست دهد.

مرحله ۳. ابتکار در برابر احساس گناه^۱ در مرحله رشد که در حدود سه تا پنج سالگی روی می دهد، تواناییهای حرکتی و ذهنی تحول و گسترش بیشتری پیدا می کنند و کودکان می توانند دست به انجام فعالیتهای تازه و طرح و ابتکار نقشه های جسورانه بزنند.

و اکثراً پدر و مادر در قبال خیالپردازیها و فعالیتهای خودانگیخته و ابتکاری کودک حائز اهمیت است. اگر والدین بر اساس تفاهم و با مهر و محبت با کودک رفتار کنند، از این رهگذر می توانند حس ابتکار کودک را به سوی هدفهای مطلوب و واقع بینانه اجتماعی هدایت کنند. در واقع کودک می تواند به یاری پدر و مادر به تشخیص و تمیز رفتارهای مجاز از غیرمجاز نائل آید. اما اگر والدین از شیوه های نامناسب، مثلاً تنبیه، استفاده کنند و عملاً مانع بروز ابتکار و خلاقیت شوند، کودکان احساس می کنند که خیالپردازی، خلاقیت و ابتکار نامطلوب، غیرمجاز و ناخوشایند است. در نهایت چنین احساسی می تواند به احساس گناه منجر شود و فعالیتهای خودانگیخته و مبتکرانه بعدی کودک را تحت تأثیر قرار دهد. در حقیقت، وقتی در

مرحله ۴. کوشایی در برابر احساس کهنتری^۲

مرحله چهارم رشد تقریباً تمام سالهای دبستان را در برمی گیرد. گرچه کودکان با ورود به دبستان با مسائل و فشارهای جدیدی مواجه می گردند و به سرعت کسب تجربه و مهارت می کنند، لیکن هنوز پدر و مادر بر آنان نفوذ دارند. کودکان دبستانی به تدریج بر کسب برخی از مهارتهای مهم شناختی و اجتماعی که لازمه کسب تأیید همسالان و بزرگسالان است تبحر می یابند. به عنوان مثال، آنان در مهارتهای خوانداری و نوشتاری و فعالیتهای گروهی توفیق حاصل می کنند و از این راه توانمندیا و شایستگیهای خود را نشان می دهند و به احساس کوشایی و کارایی دست می یابند. در این مرحله، پسران و دختران متناسب با نقش و ویژگیهای جنسیتی خود

1- Initiative vs. guilt

2- Industry vs. inferiority

می‌زنند. این ویژگی بارز نوجوانی "مهلت خواهی"^۲ نامیده می‌شود. نوجوانانی که از این وضعیت مشکل و حساس پیروز بیرون آیند، یعنی به احراز هویت نیرومند و یکپارچه نائل آیند، با احساس کفایت و شایستگی و اعتماد به نفس خود را برای ورود به دوره بزرگسالی آماده می‌کنند. اما آن دسته از نوجوانانی که نتوانند به وحدت هویت دست یابند، باید بحران هویت را که نشانه بارز آن سردرگمی است تجربه کنند. ممکن است سردرگمی و تداوم بحران هویت به شکست و سرخوردگی نوجوانان از زندگی و برون رفت آنان از راستای سالم و سازنده زندگی و همانندسازی با دوستان منحرف منجر گردد.

مرحله ۶. صمیمیت در برابر انزوا^۳

این مرحله که به دوره جوانی اختصاص دارد از پایان نوجوانی آغاز می‌شود و تا ابتدای میانسالی ادامه می‌یابد. در این دوره که فرد تسقریباً از مراقبت و حمایت خانواده رها می‌گردد و به عنوان یک شخص بزرگسال و

نسرگرم بازی و انجام فعالیتهای گروهی می‌شوند و دنیای خود را بیش از پیش گسترش می‌دهند. در این دوره، پدران و مادران و معلمان وظایف مهمی بر عهده دارند. اگر سنجیده و عاقلانه و از سر مهر و عطف رفتار کنند، در کودکان احساس کوشایی، کارایی و کفایت شکوفا می‌شود. اما اگر از شیوه‌های بازدارنده استفاده کنند، در کودکان احساس کمتری و بی‌کفایتی و ناتوانی تقویت می‌گردد.

مرحله ۵. احراز هویت در برابر سردرگمی^۱

از دیدگاه اریکسون (۱۹۸۰، ۱۹۶۸، ۱۹۵۹)، نوجوانی دوره بسیار مهم و سرنوشت ساری است، زیرا در این زمان است که فرد با مسأله اساسی هویت‌یابی مواجه می‌شود. در این دوره، نوجوانان می‌کوشند تا جایگاه خود را از لحاظ شغلی، اجتماعی، اعتقادی، جنسی و روابط بین فردی تعیین کنند. به همین دلیل، احراز هویت تکلیفی دشوار و اضطراب‌زاست. نوجوانان ناگزیرند نقشهای گوناگون را تجربه کنند تا در نهایت بتوانند بهترین و مناسب‌ترین نقش را برگزینند. آنان اغلب اندیشه‌ها و باورهای خود را تغییر می‌دهند و به تجربه و آزمایش نگرشها و دیدگاههای جدید دست

1- Identity vs. identity diffusion

2- Moratorium

3- Intimacy vs. isolation

بالغ احساس مسئولیت و استقلال می‌کند، به برقراری و تحکیم روابط عاطفی با دیگران می‌پردازد. یکی از جلوه‌های زیبا و شکوهمند این گونه پیوندها، همسرگزینی و زناشویی است. صمیمیت در مفهوم عام و گسترده خود به این معنی است که دو فرد مایل به تشریک مساعی و تنظیم و حل و فصل همه مسائل مهم و حیاتی زندگی هستند. در واقع، هویت فرد بدون از دست دادن چیزی به هویت فرد دیگری پیوند می‌خورد. این گونه آمیختگی یا وحدت عاطفی دو فرد را برای چالشهای مشترکی زندگی آماده می‌سازد. البته لازمه برقراری ارتباط صمیمانه و نزدیک این است که شخص نسبت به دیگری احساس تعهد کند و این معنی تحقق نمی‌یابد مگر آن که فرد باورها، احساسات، نگرشها و ارزشهای خود را وقف زندگی مشترک کنند. از نظر اریکسون، چنین تعهدی تنها برای کسانی امکان‌پذیر است که به هویت کسب شده دست یافته باشند. بنابراین، شناخت خود و احساس امنیت و آرامش درونی پیش نیاز تعهد نسبت به دیگران است و عدم توفیق در خودشناسی و فقدان احساس امنیت به برقراری روابط سطحی و خودخواهانه با روابط مبتنی بر بهره‌کشی می‌انجامد.

مرحله ۷. زاینده‌گی در برابر بی‌حاصلی^۱
 هفتمین مرحله رشد دوره میان‌سالگی است که از ۳۵ سالگی آغاز می‌شود و تقریباً تا ۶۵ سالگی ادامه می‌یابد. این دوره از حیث تولید و زاینده‌گی درخشان‌ترین مقطع تاریخ حیات انسان به شمار می‌رود. مردان در اوج فعالیت‌های شغلی و اجتماعی و تولیدی هستند و زنان نیز که از تربیت فرزندان فارغ شده‌اند می‌توانند به فعالیت‌های هنری، اجتماعی و به طور کلی به عرصه‌های نیکوکاری رو آورند. زاینده‌گی یا بارآوری یک مفهوم کلی و گسترده است و تنها به بچه‌دار شدن و فرزندپروری محدود نمی‌شود. این مفهوم به ایجاد افکار و اشیاء از رهگذر نیروی خلاقیت نیز اطلاق می‌گردد. افراد مولد و سازنده در جستجوی کار خلاق و بارورند و خود را درگیر عرصه‌ها و چالشهای جدید و تحقق هدفهای مهم زندگی می‌کنند. در برابر مفهوم زاینده‌گی، بی‌حاصلی یا راکدماندگی قرار دارد. این ویژگی به کسانی اختصاص دارد که در حیات خود نتوانسته‌اند برای خانواده یا جامعه سودمند باشند. نتیجه بی‌حاصلی و راکد ماندگی دلبستگی و تعلق خاطر بیش از اندازه به نیازها و رفاه و آسایش

1- Generativity vs. stagnation

پدیده عادی می‌نگرد و از تصور آن دستخوش نگرانی نمی‌شود. نقطه مقابل کمال، نومیدی است. سالمندی که از مرور رویدادهای زندگی ناخشنود است و غم فرصتهای از دست رفته را می‌خورد، احساس نومیدی و واماندگی به او دست می‌دهد. پیوسته حسرت گذشته بهتر را می‌خورد و از هدفهای تحقق نیافته رنج می‌برد. چنین فردی خود را بازنده می‌داند و با بغض و نفرت به مسائل زندگی و روابط اجتماعی می‌نگرد.

بازنگری پیشینه پژوهش

یکی از ویژگیهای مهم هر نظریه، میزان آزمون‌پذیری و کاربرد آن در عرصه تحقیقات است. رویکردهای مختلف روانشناسی به یک اندازه از این ویژگی برخوردار نیستند. اگر در گذشته رویکرد رفتارگرایی یکه تاز میدان روانشناسی بود، در عصر ما روانشناسی شناختی گوی سبقت را از رفتارگرایی ربوده است و روز به روز بر شکوه و اهمیت علمی آن افزوده می‌شود. بدون شک یکی از علل رشد و گسترش این دو رویکرد، میزان آزمون‌پذیری و نقش مؤثر آن در پژوهشهای روانشناختی

شخصی و دور شدن از خدمات اجتماعی است.

مرحله ۸. کمال در برابر نومیدی^۱

از دیدگاه اریکسون، مرحله پایانی فرایند رشد به دوره سالمندی یا آخرین مرحله زندگی اختصاص دارد. انسان در این دوره که تقریباً از ۶۵ سالگی آغاز می‌شود و همه سالهای نهایی حیات را در برمی‌گیرد، به مرور و ارزیابی مراحل پیشین زندگی می‌پردازد. در این مرحله، مسائل مهمی مانند اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تربیت فرزندان، روابط و تعهدات اجتماعی و به طور کلی پیروزیها و شکستهای گذشته مورد بازنگری قرار می‌گیرند. هر اندازه فرد در گذشته به نحو بهتر و کارآمدتری با مشکلات کنار آمده باشد، در این دوره بیشتر احساس رشد یافتگی، پختگی و یا کمال می‌کند. کامیابی و آرامش و نیل به کمال پذیرش گذشته به شکل واقع‌بینانه بدون احساس حسرت نسبت به فرصتهای از دست رفته است. در واقع، سالمندی که به مرتبه رشد یافتگی و کمال ارتقاء می‌یابد، به گذشته به صورتی مثبت و به گونه‌ای که روی داده است می‌نگرد. چنین فردی چون از طی مراحل زندگی رضایت دارد، به مرگ به عنوان یک

1- Integrity vs. despair

است. گرچه روانکاوی و انسان‌گرایی از لحاظ تجربی و عینیت‌گرایی نتوانسته‌اند پا به پای رفتارگرایی و روانشناسی شناختی حرکت کنند، لیکن در مواردی به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته‌اند. چنان که می‌دانیم، برخی از مفاهیم رایج در این دو رویکرد الهام بخش پژوهشگران واقع شده‌اند و محققان را به سوی مطالعات کاربردی سوق داده‌اند.

در چند دهه اخیر، نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون که به نوعی به رویکرد روانکاوی تعلق دارد، مورد توجه برخی از روانشناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهشگران با تأثیرپذیری از نظریه اریکسون و برخی مفاهیم مهم و کلیدی رایج در این رویکرد به دو کار مبادرت ورزیده‌اند: یکی تهیه و ساخت ابزار به منظور سنجش مراحل رشدی اریکسون و دیگری تحقیق در زمینه ارتباط این مراحل با یکدیگر و نیز بررسی پیوند این مراحل با سازگاری و بهزیستی عاطفی و احساس کامیابی در حیات. با توجه به ابعاد گسترده نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون، انتظار می‌رود که در این حیطه پژوهش‌های متنوع و متعددی صورت گرفته باشند. اما به رغم این انتظار، بازنگری ادبیات و مطالعات مربوط از وجود پژوهش‌های فراوان

حکایت نمی‌کنند. بیشتر تحقیقات موجود نیز به مراحل پایین کودکی و نوجوانی به ویژه به نوجوانی اختصاص دارند. به‌خصوص مفهوم "هویت" در نظریه اریکسون موجب شده است که بسیاری از روانشناسان رشد‌نگر و پژوهشگران مسائل تربیتی و اجتماعی در این زمینه به تحقیق بپردازند. به نظر می‌رسد که با توجه به علاقه‌مندی و گرایش روانشناسان و محققان به مسائل بزرگسالان و سالمندان، در آینده تحقیقات بیشتری به این دوره‌ها اختصاص یابند. بدون تردید افزایش متوسط سن سالمندان، که ناشی از بهبود شرایط زندگی عصر ماست، یکی از عوامل مهم و مؤثری است که بر انجام بیشتر پژوهش‌های مرتبط با این مرحله از رشد به طور جدی اثر خواهد گذاشت.

در بازنگری پیشینه و تحقیقات انجام شده کمی فسرتر از موضوع مقاله می‌رویم و متناسب با نظریه رشدی اریکسون و مراحل هشتگانه آن، خلاصه‌ای از مطالعات موجود را بیان می‌کنیم:

در تحقیقی که در آن برای بررسی سازگاری افراد از مقیاس رشد روانی-اجتماعی جهت سنجش موفقیت در ۶ مرحله اول نظریه اریکسون استفاده به عمل آمد، معلوم گردید که

بین رشد موفقیت‌آمیز یا سازگارانه در هر یک از ۶ مرحله اول نظریه اریکسون و احساس شادمانی و رضایتمندی رابطه نیرومندی وجود دارد (کنستانتینوپل^۱، ۱۹۶۹). در پژوهشی دیگر، این یافته مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه اخیر نشان داد که بین رشد ناموفق یا ناسازگارانه در هر یک از ۶ مرحله اول نظریه اریکسون و احساس بی‌هنجاری و بی‌ریشگی رابطه نیرومندی وجود دارد (رایمانیس^۲، ۱۹۷۴).

اریکسون (۱۹۸۰، ۱۹۶۸) اظهار داشته بود که "من" در افرادی که در حال رسیدن به هویت هستند و یا عملاً بدان دست یافته‌اند، نسبت به افرادی که از این راه حل فاصله دارند قوی‌تر است. این نظر بعداً توسط تحلیل‌گران و پژوهشگران مورد حمایت قرار گرفت (مارسیا^۳، ۱۹۶۶، ۱۹۸۰). علاوه بر مارسیا، دیگران نیز بر این نکته از طریق پژوهش ضحّه گذاشته‌اند (مارسیا و فریدمن^۴، ۱۹۷۰؛ اورلفسکی، ۱۹۸۲؛ اورلفسکی و فرانک^۵، ۱۹۸۶). این گونه مطالعات بیانگر این واقعیت هستند که افرادی که در مراحل قبلی رشد روانی - اجتماعی سازگارانه عمل کرده و در

بین رشد موفقیت‌آمیز یا سازگارانه در هر یک از ۶ مرحله اول نظریه اریکسون و احساس شادمانی و رضایتمندی رابطه نیرومندی وجود دارد (کنستانتینوپل^۱، ۱۹۶۹). در پژوهشی دیگر، این یافته مورد تأیید قرار گرفت. مطالعه اخیر نشان داد که بین رشد ناموفق یا ناسازگارانه در هر یک از ۶ مرحله اول نظریه اریکسون و احساس بی‌هنجاری و بی‌ریشگی رابطه نیرومندی وجود دارد (رایمانیس^۲، ۱۹۷۴).

اریکسون (۱۹۸۰، ۱۹۶۸) اظهار داشته بود که "من" در افرادی که در حال رسیدن به هویت هستند و یا عملاً بدان دست یافته‌اند، نسبت به افرادی که از این راه حل فاصله دارند قوی‌تر است. این نظر بعداً توسط تحلیل‌گران و پژوهشگران مورد حمایت قرار گرفت (مارسیا^۳، ۱۹۶۶، ۱۹۸۰). علاوه بر مارسیا، دیگران نیز بر این نکته از طریق پژوهش ضحّه گذاشته‌اند (مارسیا و فریدمن^۴، ۱۹۷۰؛ اورلفسکی، ۱۹۸۲؛ اورلفسکی و فرانک^۵، ۱۹۸۶). این گونه مطالعات بیانگر این واقعیت هستند که افرادی که در مراحل قبلی رشد روانی - اجتماعی سازگارانه عمل کرده و در

-
- 1- Constantinople 2- Reimanis
 - 3- Marcia 4- Friedman
 - 5- Orlofsky, Marcia & Lesser
 - 6- Bourne
 - 7- Waterman, Buebel & Waterman
 - 8- Josselson 9- Frank

حل تعارضها یا بحرانها موفق بوده‌اند، سطوح بالایی از وحدت یا انسجام هویت را از خود بروز خواهند داد.

در مطالعه‌ای بر روی دانشجویان با استفاده از مقیاس رشد روانی - اجتماعی، دیدگاه اریکسون مورد ارزیابی قرار گرفت. در این تحقیق، ظرف مدت ۲۲ سال، شخصیت ۴۷۴ دانشجوی دانشگاه براساس ملاکهای رشدی اریکسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این مطالعه بر حل مثبت و موفقیت‌آمیز تعارضها یا بحرانهای مراحل رشد روانی - اجتماعی از سالهای اولیه رشد تا حدود ۴۰ سالگی دلالت می‌کنند. این گونه مطالعات، نظر اریکسون را مبنی بر این که پیامد مطلوب در هر مرحله به حل موفقیت‌آمیز مرحله پیش بستگی دارد را تأیید می‌کنند (ویت‌بورن، الیوت، زاجلاگ و واترمن، ۱۹۹۲؛ به نقل از شولتز و شولتز، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۷۷).

در حالی که مراحل فرویدی در نوجوانی به پایان می‌رسند، مراحل اریکسونی ادامه می‌یابند و چند مرحله دیگر را تا پایان حیات در برمی‌گیرند. به عقیده اریکسون، اوایل دوره بزرگسالی زمانی است که افراد با تعارض یا بحران روانی - اجتماعی صمیمیت در برابر تنهایی مواجه می‌شوند. به نظر این روانشناس،

فرد پیش از آن که بتواند نسبت به یک هویت مشترک با فرد دیگری متعهد شود باید به حس هویت فردی دست یافته باشد. این نکته بر این معنی دلالت دارد که فرد پیش از آن که بتواند با کسی دیگر رابطه عاطفی برقرار کند باید خود را بشناسد. بدین ترتیب، خودشناسی مقدم بر برقراری روابط عاطفی و تعهد نسبت به فرد دیگر و زندگی مشترک است. فردی که در آغاز بزرگسالی احساس روشن و مشخصی از خود ندارد ممکن است از تصور پذیرش یک پیوند عاطفی دراز مدت و تعهد نسبت به آن بترسد و به همسر یا شریک زندگی به عنوان منشاء هویت بیش از اندازه وابسته گردد.

برای پاسخگویی به پرسشهای مرتبط با هویت و ابراز صمیمیت، ویت‌بورن و تس^۱ (۱۹۸۵)، جایگاه هویت و صمیمیت را در چند گروه سنی در میان دانشجویان دانشگاه مطالعه کردند. پژوهشگران پس از مصاحبه با دانشجویان، آنها را از لحاظ روابط نزدیک عاطفی یا جایگاه صمیمیت در ۶ گروه قرار دادند. یکی از نتایج این پژوهش این بود که دستیابی به هویت، پس از فراغت از تحصیل امکان‌پذیر است. فارغ‌التحصیلان در مقایسه با

1- Whitbourne & Tesch

دانشجویان سالهای آخر دانشگاه، از نظر روابط عاطفی یا جایگاه صمیمیت، رشد و بلوغ بیشتری از خود نشان دادند. در واقع فارغ التحصیلان بیشتر درگیر روابط عاطفی دراز مدت و عشق همراه با تعهد شده بودند. مهمتر از همه این که فارغ التحصیلانی که کاملاً به هویت موفق دست یافته بودند، بیش از دیگران در برقراری روابط صمیمانه واقعی و پایدار توفیق حاصل کردند. این نکته دقیقاً همان چیزی است که اریکسون درباره آن نظریه پردازی کرده است.

پژوهشهای دیگر نیز نشان می دهند که بین آمادگی و توانمندی برای ورود به یک رابطه عاطفی بادوام همراه با تعهد و حل موفقیت آمیز مراحل قبلی رشد، پیوند نزدیکی وجود دارد (اورلفسکی، ۱۹۹۳). بدین ترتیب، همان گونه که اریکسون خاطر نشان کرده است، ما پیش از آن که بتوانیم حقیقتاً به شخص دیگری عشق بورزیم باید خود را بشناسیم. درباره این فرایند تفاوت های قابل ملاحظه ای بین زنان و مردان وجود دارد. اریکسون عقیده داشت که زنان کاملاً نمی توانند مسائل مرتبط با هویت را حل کنند، مگر این که همسر اختیار کنند و به کسب هویت بر محوریت نقش خود به عنوان زن نائل آیند. آیا واقعاً این عقیده که

در آن به نوعی سوگیری جنسی دیده می شود صحیح است؟ به نظر پژوهشگران، موضوع پیچیده تر از آن چیزی است که اریکسون درباره آن اندیشیده است. به نظر می رسد که اکثر مردان از الگوی "نخست هویت، سپس صمیمیت" پیروی می کنند. مردان تنها پس از روشن شدن وضعیت شغلی یا کارراهه شان برای یک پیوند عاطفی جدی و پایدار آماده می شوند. زنانی که دارای گرایشهای جنسی مردانه و صفات مردانه از قبیل سلطه گری و ابراز وجود هستند تمایل به پیروی از الگوی "هویت، صمیمیت" دارند. اما برخی از زنان از الگوی رشدی کاملاً متفاوتی پیروی می کنند. در گذشته بسیاری از زنان مسأله صمیمیت را پیش از مسأله هویت حل می کردند: آنان از دواج می کردند، بچه دار می شدند و به تربیتشان همت می گذاشتند، سپس به کنجکاوی و طرح پرسش درباره هویت می پرداختند. امروزه زنانی که دارای گرایشهای جنسی زنانه هستند تمایل دارند که مسائل مربوط به هویت و صمیمیت را توأمأ یعنی به طور همزمان حل کنند. بنابراین، نظر اریکسون تنها برای زنانی که دارای ویژگیهای ناب زنانه هستند ممکن است صادق باشد. به طور کلی، به نظر می رسد که الگوی پیشنهادی اریکسون

درباره "نخست هویت، سپس صمیمیت" بیشتر برای مردان صادق باشد تا زنان. چنان که می‌دانیم در دوران ما تفاوت‌های جنسی مرتبط با هویت و صمیمیت به تدریج کاهش می‌یابند، زیرا بیشتر دختران ازدواج را به خاطر ادامه تحصیل و تعقیب کارراهه خود به تعویق می‌اندازند.

آیا رشد روانی - اجتماعی به نحوی که اریکسون در نظریه خود بیان کرده است در سالهای میانه حیات ادامه می‌یابد؟ جورج ویلانت^۱ نظریه پرداز روانکاو برای پاسخگویی به این پرسش یک تحقیق طولی بر روی دانشجویان مرد هاروارد که از سلامت روانی برخوردار بودند و یک مطالعه طولی نیز بر روی کارگران انجام داد. این پژوهشگر متوجه شد که سالهای دهه سوم عمر فرصت مناسبی برای طرح مسائل مربوط به صمیمیت است. وی این یافته را به عنوان تأییدی بر نظر اریکسون تلقی کرد. او همچنین دریافت که در سالهای دهه چهارم عمر، مردان از نیرو و امکانات خود برای پیشبرد کارراهه خود سود می‌جویند و در این دوران خیلی به فکر مسائل عشقی و برقراری روابط عاطفی نیستند. یافته دیگر این که بسیاری از مردان در سالهای دهه پنجم عمر به چیزی که اریکسون از آن زیر

عنوان "زاینده‌گی در برابر بی حاصلی" نام می‌برد علاقه‌مند می‌شوند.

ویلانت بیان زیبایی یکی از افراد شرکت کننده در پژوهش خود را به این صورت بیان کرده است:

"فکر می‌کنم از ۲۰ تا ۳۰ سالگی آموختم که چگونه با شریک زندگی یا همسر کنار بیایم. از ۳۰ تا ۴۰ سالگی یاد گرفتم که چگونه در کارراهه خود توفیق حاصل کنم. از ۴۰ تا ۵۰ سالگی کمتر درباره خودم نگران شدم، بلکه بیشتر در اندیشه فرزندانم بودم."

برخی از پژوهشگران دریافته‌اند که مردان و زنان میانسال و سالمند بیش از جوانان به احساس زاینده‌گی یا بارآوری دست می‌یابند. این گونه افراد بزرگسال طیف متنوعی از افراد مولد و بارور را در بر می‌گیرند. والدین متعهد، مدیران و رهبران جامعه، مشاوران، ناظران و کارگران مولد واجد ویژگی زاینده‌گی هستند. همچنین از مطالعه شخصیت برخی از افراد بزرگسال دریافته‌اند که افراد میانسال در مقایسه با جوانان به نحو دقیقتر و ظریفتری می‌توانند خود را بشناسند و به شخصیت خود وحدت و یکپارچگی ببخشند. همچنین بهتر می‌توانند با

1- George Villant

کهنه نمی‌کنند. با وجود این، پیران بیشتر از جوانان و افراد میانسال از خاطرات خود برای ارزیابی زندگی خویش استفاده می‌کنند و این همان چیزی است که باتلر دربارهٔ مرور زندگی می‌گوید (مولیناری و ریچلین^۲، ۱۹۸۵).

در پژوهشی (دومینو و هناع^۳، ۱۹۸۹) به منظور بررسی کنش کارآمد سالمندان، ۱۴۳ نفر از افرادی که در برنامهٔ "الدرهاستل"^۴ دانشگاه آریزونا شرکت کرده بودند مورد مطالعه قرار گرفتند. در برنامهٔ الدرهاستل، سالمندان نقاط مختلف آمریکا می‌توانند برای واحدهای درسی کوتاه مدت که در آن یادگیری با تجربهٔ سفر درهم آمیخته است ثبت نام کنند. در این تحقیق از آزمودنیها برای پاسخگویی به مقیاسهایی که برای سنجش شخصیت و سبک زندگی تدارک دیده شده بود، دعوت به همکاری به عمل آمد. ۶۲ نفر از شرکت کنندگان را مردان و ۸۱ نفر را زنان تشکیل می‌دادند. دامنهٔ سنی آنان بین ۵۹ تا ۸۲ سال در نوسان بود (۶۸/۵ = سن متوسط، ۵/۱ =

شکستها و ناکامیهای زندگی خود کنار بیایند و به طور کلی بهتر می‌توانند به زندگی معنی و مفهوم ببخشند و احساس و درک روشنتر و عمیقتری از خود پیداکنند.

طبق نظر اریکسون، سالمندان با مسألهٔ روانی - اجتماعی "کمال در برابر نومیدی" مواجه می‌شوند. آنان تلاش می‌کنند تا به زندگی خود معنی و مفهوم ببخشند و از این طریق با مرگ که پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است کنار بیایند. وقتی از بزرگسالان پرسیده می‌شود که اگر قرار بود دوباره زندگی کنید چه تغییراتی در آن می‌دادید، عده‌ای پاسخ می‌دهند که اگر چنین فرصتی داشته باشیم، هیچ‌گونه تغییری در زندگی نمی‌دهیم (اریکسون، اریکسون و کسیونیک، ۱۹۸۶). باتلر^۱ (۱۹۶۳، ۱۹۷۵) پژوهشگر سالمندشناس اظهار داشته است که افراد پیر در فرایندی که مرور زندگی نامیده می‌شود سرگرم می‌شوند و از این طریق به زندگی خود معنی و مفهوم می‌بخشند و به تدریج برای سفر آخر آماده می‌شوند. آیا واقعاً پیران به مرور زندگی می‌پردازند و آیا این فرایند به آنها در کسب کمال کمک می‌کند؟ به نظر می‌رسد که برخلاف تصور رایج، افراد سالمند بیش از جوانان و افراد میانسال، اوقات خود را صرف تفکر دربارهٔ گذشته و خاطرات

- 1- Butler
- 2- Molinari & Reichlin
- 3- Domino & Hannah
- 4- Elder Hostel

انحراف معیار). ضمناً این افراد از لحاظ مدارج تحصیلی مختلف بودند ($r=15/7$ میانگین سالهای تحصیلی، $r=2/5$ انحراف معیار) و همگی به صورت گروهی آزمون شدند. ابزارهای تحقیق عبارت بودند از مقیاس تعادل روانی-اجتماعی IPB^۱ و خودیابی (یکی از خرده مقیاسهای CPI^۲). IPB یک مقیاس رشدی شخصیتی است حاوی ۱۲۰ ماده که برای ارزیابی مراحل هشتگانه نظریه اریکسون تهیه شده است. آزمودنی باید به هر ماده براساس یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) پاسخ دهد. این مقیاس متناسب با الگوی رشدی اریکسون ۸ نمره به دست می‌دهد. در این پژوهش، از فرم تجدیدنظر شده CPI نیز استفاده به عمل آمد.

البته تنها خرده مقیاس خودیابی SR^۳ که حاوی ۵۸ ماده است و برای ارزیابی میزان کنش کارآمد، خودیابی و کامیابی طراحی شده است، مورد استفاده قرار گرفت. نتایج این تحقیق مختصراً به شرح زیر است:

الف. همه خرده مقیاسهای IPB به طور معنی‌داری با یکدیگر همبستگی داشتند (به غیر از همبستگی اعتماد اساسی و ابتکار با یکدیگر، $r=0/12$). دامنه همبستگیهای معنی‌دار از $0/29$ تا $0/68$ در تغییر بودند.

ب. همه خرده مقیاسهای IPB با خرده مقیاس SR همبستگی معنی‌دار داشتند (به غیر از همبستگی بسین زایندگی و خودیابی، $r=0/15$). دامنه همبستگیهای معنی‌دار از $0/17$ تا $0/43$ در نوسان بودند.

ج. برای سالمندان مرد، هفت خرده مقیاس IPB (به استثناء خودمختاری) قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک خودیابی را داشتند ($r=0/33$). واریانس خودیابی را تبیین می‌کردند، ولی برای زنان سالمند، همه خرده مقیاسهای IPB قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک خودیابی را داشتند ($r=0/28$). واریانس خودیابی را تبیین می‌کردند.

در مطالعه‌ای که هدف آن بررسی رشد روانی-اجتماعی و برخی از ویژگیهای شخصیتی سالمندان بود، ۵۲۰ نفر از افراد بزرگسال (۲۰۵ مرد، ۳۰۵ زن و ۱۰ نفر نامشخص) در برنامه "الدرهانتل" دانشگاه آریزونا شرکت داشتند. آزمودنیها افراد بازنشسته‌ای بودند که دامنه سنی شان از ۵۵ تا ۸۴ سال در تغییر بود ($r=0/68/5$ میانگین سنی و

- 1- Inventory of Psychosocial Balance
- 2- California Psychosocial Inventory
- 3- Self-Realization

۵/۱= انحراف معیار). سطح تحصیلات این افراد عموماً بالا بود (۱۶= میانگین سالهای تحصیل و ۲۷٪ دارای مدارج تحصیلی دانشگاهی) و تقریباً همگی از وضعیت بهداشتی خوبی برخوردار بودند. ابزارهای تحقیق که به صورت گروهی و در خلال واحدهای درسی به اجرا درآمدند عبارت بودند از پرسشنامه تعادل روانی- اجتماعی IPB برای اندازه گیری مراحل رشدی اریکسون، مقیاس عزت نفس رزنیگ^۱ (۱۹۶۵)، مقیاس هدفهای زندگی PIL^۲ و مقیاس خودیابی (یکی از خرده مقیاسهای CPI) (گاف^۳، ۱۹۸۷). به دلیل تأخیر شرکت سالخوردگان در برنامه "الدرهاستل" نمونه تحقیق با افت قابل ملاحظه مواجه گردید. با وجود این، تحلیل‌های آماری بر روی مقیاسهایی که توسط باقیمانده شرکت کنندگان تکمیل شده بود، انجام گرفت. نتایج این پژوهش مختصراً به شرح زیر است:

الف. همه خرده مقیاسهای IPB با یکدیگر همبستگی مثبت معنی دار داشتند. دامنه این همبستگیها از ۰/۶۱ تا ۰/۸۶ در نوسان بودند. بالاترین ضریب همبستگی به دو مرحله هفتم و هشتم یعنی زایندهگی و کمال تعلق داشت (r= ۰/۸۶). از میان متغیرهای شخصیتی تنها متغیر هدفهای زندگی PIL با همه خرده

مقیاسهای IPB همبستگی مثبت معنی دار داشت.

ب. نتیجه تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که از میان خرده مقیاسهای IPB، ۵ خرده مقیاس بهترین متغیرهای پیش بین مرحله کمال بودند. این خرده مقیاسها عبارت بودند از زایندهگی، اعتماد اساسی، صمیمیت، هویت و خودمختاری. این یافته که هر یک از متغیرهای مزبور سهم معنی داری در پیش بینی مرحله هشتم دارند مؤید نظریه اریکسون است. به عقیده وی، دستیابی به مرحله کمال یک وظیفه یا عمل منفرد نیست بلکه این توانایی نتیجه رشد طبیعی یا تبحری است که فرد در مراحل قبلی کسب کرده است.

ج. تحلیل آماری نشان داد که زایندهگی (مرحله هفتم) نیرومندترین مرحله ای است که کمال (مرحله هشتم) را پیش بینی می کند. این یافته نیز با نظر اریکسون کاملاً مطابقت دارد. گرچه به زعم اریکسون همه مراحل با یکدیگر و با مرحله هشتم پیوند دارند، لیکن حل تعارض یا رفع بحران هر مرحله در حل بحران

1- Rozenberg

2- Purpose-in-Life Scale

3- Gough

مرحله بعدی بیشترین تأثیر را دارد. یافته‌ای که در این تحقیق تا حدودی شگفت‌انگیز است این است که بین مردان و زنان سالمند از لحاظ پیش بینی کمال تفاوت معنی‌دار ملاحظه نگردید.

ه یافته مهم دیگر این پژوهش آن است که پس از زاینده‌گی، اعتماد اساسی نیرومندترین متغیر پیش بین مرحله کمال است. در حالی که در نوجوانی و در آغاز بزرگسالی، کارراهه و مسائل مرتبط با آن اهمیت پیدا می‌کنند در اولین مرحله و آخرین مرحله رشد روانی-اجتماعی، اعتماد اساسی به عنوان یک ویژگی مهم و بارز جلوه‌گری می‌کند. در واقع آنچه که ممکن است اعتماد اساسی و زاینده‌گی را از نظر پیوندشان با کمال متحد کند این است که در اولین مرحله رشد ارتباط و نزدیکی کودک با والدین و در مرحله هفتم ارتباط و نزدیکی والدین با فرزندان است.

چون بخشی از تحقیق دومینو و افونسو^۱ (۱۹۹۰) که به تهیه و ساخت ابزار برای اندازه‌گیری مراحل رشد روانی-اجتماعی اریکسون اختصاص دارد از جهاتی به موضوع این پایان نامه مربوط می‌شود در اینجا مختصراً به آن اشاره می‌کنیم:

پژوهشگران برای تهیه مقیاسی که به نام

“مقیاس تعادل روانی-اجتماعی، IPB” شهرت یافته است، در ابتدا بر اساس تحلیل محتوای نوشته‌های اریکسون و ادبیات مربوط، ۳۴۶ ماده تدوین کردند. این ماده‌ها به نحوی برگزیده شد که بتوانند جنبه‌های مثبت و منفی هر یک از مراحل هشتگانه نظریه اریکسون را منعکس کنند. سپس این مجموعه توسط ۵ روانشناس مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت و از میان آنها تعداد ۲۰۸ ماده برگزیده شد. در نهایت فهرست ۲۰۸ ماده‌ای بر روی ۵۲۸ آزمودنی زن و مرد از مقاطع سنی مختلف اجرا گردید. نمونه تحقیق کاملاً غیرهمگن و دربرگیرنده زنان و مردان-از دوره نوجوانی تا سالمندی- و سطوح مختلف اجتماعی و تحصیلی بود. پس از اجرای روش تحلیل عوامل بر روی داده‌ها، ۸ عامل معنی‌دار که با مراحل هشتگانه رشدی اریکسون مطابقت داشتند استخراج شد. پژوهشگران برای اعتباریابی این مقیاس جدید دست به تحقیق پیرامنه‌ای زده‌اند که در اینجا به دو جنبه آن اشاره می‌شود:

با توجه به نظر اریکسون مبنی بر این که حل تعارض در هر یک از مراحل رشد روانی-

1- Domino & Afonso

اجتماعی بخشی از یک الگوی کلی اجتماعی شدن یا بلوغ اجتماعی را بازنمایی می‌کند، محققان به عنوان قسمتی از برنامه اعتباریابی IPB، همه خرده مقیاسهای آن را با شاخص بلوغ اجتماعی (بخشی از مقیاس CPI) همبسته کردند. همه خرده مقیاسها (به غیر از خودمختاری و صمیمیت) با شاخص بلوغ اجتماعی همبستگی معنی‌دار داشتند. دامنه همبستگیهای معنی‌دار بین ۰/۳۳ تا ۰/۴۶ در نوسان بود. این یافته مؤید نظر اریکسون است و نشان می‌دهد که حل تعارض یا رفع بحران در هر یک از مراحل رشد روانی - اجتماعی با فرایند بلوغ اجتماعی پیوند دارد.

یکی از ویژگیهای بارز نظریه اریکسون چارچوب رشدی نظام‌دار آن است. در حقیقت در این چارچوب توالی و نظم سلسله مراتبی مراحل پیش بینی شده است. برای ارزیابی این ویژگی نظریه اریکسون، دومینو وافونسو (۱۹۹۰) به طور تصادفی، از میان افراد نمونه تحقیق، به گزینش چهار گروه سنی (هر گروه مشتمل بر ۴۵ نفر) مبادرت ورزیدند:

الف. نوجوانان، با دامنه سنی ۱۵ تا ۱۸ سالگی

ب. جوانان، با دامنه سنی ۲۰ تا ۲۵ سالگی

ج. میانسالان، با دامنه سنی ۴۰ تا ۴۵ سالگی

د. سالمندان، با دامنه سنی ۶۵ تا ۷۰ سالگی
سپس با استفاده از روش تحلیل واریانس، این ۴ گروه سنی را در هر یک از مراحل هشتگانه رشد روانی - اجتماعی با یکدیگر مقایسه کردند. هر ۸ مقیاس رشدی برای سه گروه اول افزایش میانگین نشان دادند. نوجوانان کمترین و میانسالان بالاترین نمره‌ها را کسب کردند. سالمندان نیز در مقیاسهای خودمختاری، هویت، زاینده‌گی و کمال افزایش میانگین نشان دادند. پیگیری نتایج نشان داد که هفت مورد از تفاوت‌های میانگینها به سطح معنی‌داری رسیدند. ۵ مورد از تفاوتها در میان نوجوانان، میانسالان و سالمندان ملاحظه گردید و دو مورد دیگر آن بین سالمندان و میانسالان.

گام بعدی پژوهشگران ارزیابی همبستگی بین خرده مقیاسها به طور جداگانه برای هر یک از گروههای سنی بود. طبق نظر اریکسون، برای هر یک از گروههای سنی می‌توان انتظار داشت که ویژگیهای رشدی آنان در مراحل پایین‌تر با یکدیگر رابطه مثبت داشته باشند. بدین ترتیب، برای گروه نوجوان باید اعتماد اساسی، خودمختاری، ابتکار و شایستگی بنا یکدیگر همبستگی درونی داشته باشند و بالاخره برای گروه سالمند هر ۷ خرده مقیاس

باید با یکدیگر دارای همبستگی درونی باشند. به نظر پژوهشگران، ماتریس همبستگی، انتظار مورد نظر را تأیید می‌کند. وجود همبستگیهای درونی بین خرده مقیاسهای IPB با انتظارات رشدی از گروههای سنی متفاوت هماهنگی دارد و مهر تأییدی است بر نظریه اریکسون.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش، مجموعاً ۲۴ فرضیه تدوین شده است. از این ۲۴ فرضیه، ۸ فرضیه به همه سالمندان مورد مطالعه، ۸ فرضیه به سالمندان زن و ۸ فرضیه دیگر به سالمندان مرد اختصاص دارد. نظر به این که جهت هر سه دسته فرضیه یکسان است، در این نوشتار تنها به درج فرضیه‌های کلی مبادرت می‌ورزیم. فرضیه ۱. حل تعارض در مرحله اول (اعتماد در برابر بی‌اعتمادی) نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون با حل تعارض در مرحله هشتم آن در سالمندان خوزستانی، رابطه مثبت دارد.

فرضیه ۲. حل تعارض در مرحله دوم (استقلال در برابر شرم و تردید) نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون با حل

تعارض در مرحله هشتم آن در سالمندان خوزستانی، رابطه مثبت دارد. فرضیه ۳. حل تعارض در مرحله سوم (ابتکار در برابر احساس گناه) نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون با حل تعارض در مرحله هشتم آن در سالمندان خوزستانی، رابطه مثبت دارد.

فرضیه ۴. حل تعارض در مرحله چهارم (کوشایی در برابر احساس کهنتری) نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون با حل تعارض در مرحله هشتم آن در سالمندان خوزستانی، رابطه مثبت دارد.

فرضیه ۵. حل تعارض در مرحله پنجم (احراز هویت در برابر سردرگمی) نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون با حل تعارض در مرحله هشتم آن در سالمندان خوزستانی، رابطه مثبت دارد.

فرضیه ۶. حل تعارض در مرحله ششم (صمیمیت در برابر انزوا) نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون با حل تعارض در مرحله هشتم آن در سالمندان خوزستانی، رابطه مثبت دارد.

فرضیه ۷. حل تعارض در مرحله هفتم (زاینده‌گی در برابر بی‌حاصلی) نظریه رشد

روانی - اجتماعی اریکسون با حل تعارض در مرحله هشتم آن در سالمندان خوزستانی، رابطه مثبت دارد. فرضیه ۸. حل تعارض در هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با حل تعارض در مرحله هشتم آن در سالمندان خوزستانی، همبستگی چندگانه دارد.

روش پژوهش

۱. جامعه آماری و روش نمونه گیری
در این پژوهش، نمونه‌ای به حجم ۴۶۹ سالمند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از جامعه آماری سالمندان خوزستانی که به هنگام اجرای تحقیق سنشان از ۶۵ سال بیشتر بود، شرکت داشتند. شایان ذکر است که

مشکلات و پیچیدگیهای روش نمونه‌گیری و دسترسی به سالمندان موجب شد تا پژوهشگران برای کسب اطلاعات دقیق جمعیت‌شناختی از مرکز آمار ایران کمک بگیرند. این مرکز پس از آشنایی کامل با هدفهای پژوهش، سیاهه ۶۰۰ خانوار خوزستانی را که با استفاده از رایانه به طور تصادفی انتخاب شده بودند و در هر خانوار دست کم یک سالمند زندگی می‌کرد در اختیار پژوهشگران گذاشت. در این ۶۰۰ خانوار، ۴۶۹ سالمند مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفتند. عدم حضور، بیماری و یا مرگ برخی از سالمندان علت‌های عمده افت نمونه بودند. برخی از ویژگیهای جمعیت‌شناختی سالمندان مورد مطالعه در جدولهای ۱ تا ۳ درج شده‌اند.

جدول ۱. توزیع فراوانی زنان و مردان سالمند در پژوهش حاضر

مرد		زن	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۴۹	۲۳۲	۵۱	۲۳۷

جدول ۲. توزیع میانگین سن زنان و مردان سالمند در پژوهش حاضر

مرد		زن	
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
۸/۹۹	۷۲/۲۰	۹/۸۲	۷۲/۷۴

جدول ۳. توزیع نمونه در شهرستانهای مختلف استان خوزستان

شهر	تعداد	شهر	تعداد
۱. آبادان	۲۴۰ نفر	۹. اهواز	۲۱۵ نفر
۲. ایذه	۲۸ نفر	۱۰. شوش	۱۰ نفر
۳. شادگان	۲۲ نفر	۱۱. بهبهان	۲۴ نفر
۴. خرمشهر	۶ نفر	۱۲. ماهشهر	۶ نفر
۵. شوشتر	۳۸ نفر	۱۳. مسجد سلیمان	۶ نفر
۶. دزفول	۳۴ نفر	۱۴. باغملک	۶ نفر
۷. رامهرمز	۲۰ نفر	۱۵. امیدیه	۶ نفر
۸. اندیمشک	۱۸ نفر	۱۶. دشت آزادگان (سوسنگرد)	۶ نفر

ب. چگونگی گردآوری داده‌ها

پیش از اجرای پژوهش، ۲۰ تن از دانشجویان روانشناسی که در شهرهای مختلف خوزستان زندگی می‌کردند، به عنوان دستیار برگزیده شدند. سپس به آنان برای برقراری روابط مطلوب با خانواده‌ها و سالمندان آموزشهای لازم داده شد. اجرای مقیاسها در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله نخست، ۵۰ سالمند زن و مرد ساکن در اهواز به طور آزمایشی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند. این مطالعه مقدماتی نشان داد که همکاری سالمندان با دستیاران نسبتاً خوب است و سالمندان از این تجربه جدید به عنوان وسیله‌ای برای تخلیه هیجانی و بازگویی خاطرات و احوال خود استفاده می‌کنند. همچنین معلوم شد که با توجه به سن بالا و

مشکلات سالمندان، طول زمان اجرای مقیاسهای مورد نظر زیاد و تا اندازه‌ای خسته کننده و ملال‌انگیز است. این مشاهدات موجب گردید تا پژوهشگران در گزینش دستیاران و آموزش آنان دقت لازم را به کار بندند. همچنین پژوهشگران تصمیم گرفتند که اجرای مقیاسها، به جای یک نوبت، در چند نوبت مناسب انجام پذیرد.

ج. ابزار پژوهش

در این نوشتار، تنها یافته‌ها و نتایج بخشی از یک طرح پژوهشی نسبتاً بزرگ که بر روی سالمندان خوزستانی اجرا گردیده است، عرضه می‌گردد. ابزاری که به این بخش اختصاص دارد و مقاله حاضر نیز بر اساس آن تدوین شده است، به "مقیاس تجدیدنظر شده"

مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون، یا MEPSI^۱ موسوم است. آنچه در زیر بیان می‌گردد، شرح کوتاه مراحل ساخت و وضعیت مقیاس از لحاظ پایایی و اعتبار است.

در چند دهه گذشته برای بررسی و ارزیابی نظریه اریکسون تلاشهای محدودی از سوی برخی از پژوهشگران انجام گرفته است. یکی از این تلاشها، اقدام به منظور ابزارسازی برای تعیین ویژگیهای مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون بوده است. یکی از این ابزارها، مقیاسی است که توسط روزنتال^۲، گورنی^۳ و مور^۴ (۱۹۸۱)، تحت عنوان «پرسشنامه مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون» برای اندازه‌گیری شش مرحله اول نظریه اریکسون ساخته شده است. در این ابزار، برای سنجش هر مرحله یک مقیاس فرعی اختصاص یافته است. هر یک از شش مقیاس فرعی از ۱۲ عبارت کوتاه ساده (مشتمل بر شش عبارت که بیانگر حل موفقیت‌آمیز و شش عبارت که بیانگر حل ناموفق تعارض یا بحرانند) تشکیل شده است. ۷۲ ماده یا عبارت به صورت تصادفی منظم شده‌اند و به عنوان ابزار مناسبی برای سنجش شش مرحله اول نظریه اریکسون کاربرد دارند. پاسخگویی به ماده‌های این ابزار، با یک مقیاس پنج رتبه‌ای (از تقریباً همیشه صحیح تا

به ندرت صحیح) انجام می‌گیرد. ثانیاً، آزمون فاقد مراحل هفتم و هشتم نظریه اریکسون است. این محدودیتها موجب شد تا دارلینگ - فیشر^۵ و لایدی^۶ تغییراتی در آزمون به وجود آورند. اولاً، تعداد هر خرده مقیاس از ۱۲ ماده به ۱۰ ماده (حاوی ۵ ویژگی مثبت و ۵ ویژگی منفی) کاهش یافت. ثانیاً، ۲۰ ماده جدید برای سنجش مراحل نهایی نظریه اریکسون به ابزار افزوده شد. به این ترتیب، پرسشنامه جامعی حاوی ۸۰ ماده برای اندازه‌گیری مراحل هشتگانه رشد روانی - اجتماعی تهیه گردید (آزمون تجدیدنظر شده مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون، MEPSI).

بررسی پایایی و اعتبار (MEPSI)

ضرایب پایایی (MEPSI) به روش آلفای کرونباخ که توسط سازندگان ابزار محاسبه شده در جدول ۴ درج شده است. همچنین تلاش شده است تا به چند

1- The Modified Erikson Psychosocial

Stage Inventory

2- Rosenthal 3- Gurney

4- Moor 5- Darling- Fisher

6- Leidy

جدول ۴. ضرایب پایایی (MEPSI) به روش آلفای کراباخ

مراحل رشد	r	n
اعتماد در برابر بی اعتمادی	۰/۸۲	۱۵۷
استقلال در برابر شرم و تردید	۰/۸۴	۱۶۰
ابتکار در برابر احساس گناه	۰/۷۸	۱۵۳
کوشایی در برابر احساس کمتری	۰/۸۸	۱۵۱
هویت در برابر سردرگمی	۰/۸۵	۱۵۷
صمیمیت در برابر انزوا	۰/۷۸	۱۵۷
زاینده‌گی در برابر بی حاصلی	۰/۷۵	۱۵۷
کمال در برابر نومیدی	۰/۸۰	۱۵۹
کل مقیاس	۰/۹۷	۱۲۶

بین سن و هویت ($r=0/19, p<0/05$) از این یافته‌ها چنین نتیجه می‌گیریم که گرچه ممکن است با افزایش سن، به نوعی ویژگی‌های نیز در معرض تکامل یا ارتقاء قرار گیرند، لیکن به نظر می‌رسد که این ابعاد نسبتاً از ثبات برخوردارند. همان‌گونه که انتظار می‌رود، ضرایب بالاتری بین سن و زاینده‌گی و کمال ملاحظه می‌شود. سن و زاینده‌گی: ($r=0/31, p<0/01$) و سن کمال: ($r=0/26, p<0/01$).

از سوی دیگر ضرایب معنی‌داری بین سن و ابتکار، کوشایی و صمیمیت مشاهده نشد. این نکته نشان می‌دهد که احتمالاً این ویژگی‌ها

صورت، (MEPSI) را اعتباریابی کنند. نتایج به طور خلاصه در زیر بیان می‌گردد: یکی از کارهای انجام شده محاسبه ضریب همبستگی بین سن تقویمی افراد و مراحل رشدی گوناگون است. از روابط بین سن تقویمی و حیطه‌های مقیاس می‌توان بر اعتبار سازه ابزار حکم کرد. روابط به دست آمده از قرار زیرند:

بین سن و نمره کل ($n=163, p<0/05, r=0/19$)

بین سن و اعتماد اساسی ($p<0/05, r=0/16$)

بین سن و استقلال ($p<0/05, r=0/17$)

ورزشی منظم، اعتماد به نفس، عزت نفس و خلق مثبت را افزایش می دهند، کنش یکپارچه را بسهیل می بخشند، تفکر خلاق را برمی انگیزند و اضطراب را کاهش می دهند. این ویژگیها نشانه رشد فردی است.

بررسی پایایی (MEPSI) در پژوهش حاضر

در این پژوهش نیز، پایایی (MEPSI) از طریق روش آلفای کرانباخ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی در جدول ۵ درج گردیده است.

پس از طی دوره تحولی حساس خود نسبتاً ثابت باقی می ماند.

برای بررسی اعتبار سازه ابزار، ویژگیهای رشدی افراد نیز با یکدیگر مقایسه شد. از لحاظ شرکت در فعالیتهای ورزشی، آن دسته از افرادی که گزارش کردند به طور منظم ورزش می کردند ($n=83$)، به طور معنی داری از ویژگیهای قویتری برخوردار بودند تا کسانی که ورزش نمی کردند.

حتی زمانی که تأثیر متغیر سن کنترل گردید، باز تفاوتی میانگینها باقی ماند. این مشاهدات با ادبیات هماهنگی و همسویی دارند. پیشینه نشان می دهد که فعالیتهای

جدول ۵. ضرایب پایایی (MEPSI) به روش آلفای کرانباخ

کرانباخ آلفا		مراحل رشد
تعداد	ضریب پایایی	
۴۴۸	۰/۶۰	اعتماد در برابر بی اعتمادی
۴۴۸	۰/۶۵	استقلال در برابر شرم و تردید
۴۴۸	۰/۵۶	ابتکار در برابر احساس گناه
۴۴۸	۰/۶۹	کوشایی در برابر احساس کمتری
۴۴۸	۰/۶۹	هویت در برابر سردرگمی
۴۴۸	۰/۴۰	صمیمیت در برابر انزوا
۴۴۸	۰/۵۹	زایندهگی در برابر بی حاصلی
۴۴۸	۰/۶۰	کمال در برابر نومییدی
۴۴۸	۰/۸۰	کل مقیاس

جدول ۶. ضرایب همبستگی ۸ مرحله رشد روانی - اجتماعی اریکسون با ۸ عامل حاصل از تحلیل عوامل

شماره	متغیرهای همبسته	r	P	N
۱	مرحله ۱ با عامل متناظر با خود	۰/۵۵	<۰/۰۰۰۱	۱۶۷
۲	مرحله ۲ با عامل متناظر با خود	۰/۶۲	<۰/۰۰۰۱	۱۶۷
۳	مرحله ۳ با عامل متناظر با خود	۰/۶۲	<۰/۰۰۰	۱۶۷
۴	مرحله ۴ با عامل متناظر با خود	۰/۴۴	<۰/۰۰۰	۱۶۷
۵	مرحله ۵ با عامل متناظر با خود	۰/۷۶	<۰/۰۰۰	۱۶۷
۶	مرحله ۶ با عامل متناظر با خود	۰/۴۴	<۰/۰۰۰	۱۶۷
۷	مرحله ۷ با عامل متناظر با خود	۰/۴۸	<۰/۰۰۰	۱۶۷
۸	مرحله ۸ با عامل متناظر با خود	۰/۶۱	<۰/۰۰۰	۱۶۷

الف. یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی به مراحل رشد روانی - اجتماعی سالمندان و زنان و مردان سالمند به طور جداگانه به ترتیب در جدولهای ۷، ۸ و ۹ ارائه شده است.

همان طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، بالاترین میانگین نمره‌ها به مراحل ۵، ۶ و ۷ و پایین‌ترین میانگین نمره‌ها به مراحل ۱ و ۸ اختصاص دارد. مندرجات جدول ۸ نشان می‌دهند که در زنان سالمند، بالاترین میانگین نمره‌ها به مراحل ۶ و ۷ و پایین‌ترین میانگین نمره‌ها به مراحل ۴ و ۸ تعلق دارد. همچنین همان‌گونه که در جدول ۹ ملاحظه می‌گردد، در مردان سالمند، بالاترین میانگین نمره‌ها

اعتبار (MEPSI) در پژوهش حاضر

در این پژوهش، از روشی متفاوت با کار سازندگان مقیاس جهت اعتباریابی ابزار استفاده شده است. ابتدا از طریق تحلیل عوامل تأییدی^۱ روی مقیاس تجدیدنظر شده^۲ مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون، ۸ عامل استخراج گردید. سپس، هر یک از مراحل هشتگانه رشدی (MEPSI) به ترتیب، با عامل متناظر با خود همبسته گردید. این ضرایب همبستگی که بیانگر اعتبار مقیاس‌اند در جدول ۶ نشان داده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، به درج یافته‌های توصیفی و استنباطی پژوهش که در ۷ جدول تنظیم گردیده‌اند می‌پردازیم.

1- Confirmatory Factor Analysis

جدول ۷. یافته‌های توصیفی مربوط به مراحل رشد روانی - اجتماعی در همه سالمندان

کل					مراحل رشد
تعداد	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	
۴۴۸	۵	۱	۰/۶۶	۳/۳۷	اعتماد در برابر بی‌اعتمادی
۴۴۸	۵	۱	۰/۶۵	۳/۵۶	استقلال در برابر شرم و تردید
۴۴۸	۵	۱	۰/۶۴	۳/۴۵	ابتکار در برابر احساس گناه
۴۴۸	۵	۲	۰/۷۴	۳/۴۴	کوشایی در برابر احساس کهنتری
۴۴۸	۵	۱	۰/۷۲	۳/۶۷	هویت در برابر سردرگمی
۴۴۸	۵	۲	۰/۵۶	۳/۶۵	صمیمیت در برابر انزوا
۴۴۸	۵	۱	۰/۶۴	۳/۶۵	زاینده‌گی در برابر بی‌حاصلی
۴۴۸	۵	۱	۰/۶۹	۳/۳۷	کمال در برابر نومیدی
۴۴۸	۵	۱	۰/۶۸	۳/۸۵	مجموع ۸ مرحله

جدول ۸. یافته‌های توصیفی مربوط به مراحل رشد روانی - اجتماعی در زنان سالمند

زن					مراحل رشد
تعداد	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	
۲۲۹	۵	۲	۰/۶۵	۳/۴۳	اعتماد در برابر بی‌اعتمادی
۲۲۹	۵	۲	۰/۶۵	۳/۴۹	استقلال در برابر شرم و تردید
۲۲۹	۵	۲	۰/۶۴	۳/۳۲	ابتکار در برابر احساس گناه
۲۲۹	۵	۲	۰/۷۵	۳/۲۸	کوشایی در برابر احساس کهنتری
۲۲۹	۵	۲	۰/۷۱	۳/۵۲	هویت در برابر سردرگمی
۲۲۹	۵	۲	۰/۵۸	۳/۶۲	صمیمیت در برابر انزوا
۲۲۹	۵	۱	۰/۶۴	۳/۵۸	زاینده‌گی در برابر بی‌حاصلی
۲۲۹	۵	۱	۰/۷۲	۳/۲۸	کمال در برابر نومیدی
۲۲۹	۵	۱	۰/۷۱	۳/۲۹	مجموع ۸ مرحله

جدول ۹. یافته‌های توصیفی مربوط به مراحل رشد روانی-اجتماعی در مردان سالمند

تعداد	مره			میانگین	مراحل
	حداکثر	حداقل	انحراف معیار		
۲۱۷	۵	۱	۰/۶۵	۳/۳۱	اعتماد در برابر بی‌اعتمادی
۲۱۷	۵	۱	۰/۶۵	۳/۶۲	استقلال در برابر شرم و تردید
۲۱۷	۵	۱	۰/۶۱	۳/۵۶	ابتکار در برابر احساس گناه
۲۱۷	۵	۲	۰/۶۹	۳/۵۹	کوشایی در برابر احساس کهنتری
۲۱۷	۵	۱	۰/۶۸	۳/۸۱	هویت در برابر سردرگمی
۲۱۷	۵	۲	۰/۵۳	۳/۶۷	صمیمیت در برابر انزوا
۲۱۷	۵	۱	۰/۶۲	۳/۷۱	زاینده‌گی در برابر بی‌حاصلی
۲۱۷	۵	۲	۰/۶۵	۳/۴۵	کمال در برابر نومیدی
۲۱۷	۵	۱	۰/۶۱	۳/۶۰	مجموع ۸ مرحله

فرضیه‌های اول تا هفتم پژوهش بیانگر این نکته هستند که بین هر یک از هفت مرحله اول نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون و مرحله هشتم، در سالمندان خوزستانی رابطه مثبت وجود دارد. این فرضیه‌ها نه تنها برای همه سالمندان، بلکه برای زنان و مردان سالمند نیز به طور جداگانه مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج بررسی این فرضیه‌ها در جدول ۱۰ ارائه گردیده‌اند.

چنان که در جدول ۱۰ دیده می‌شود، تمام ضرایب همبستگی ساده بین هفت مرحله اول نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون و مرحله هشتم در سالمندان و زنان و مردان

مربوط به مرحله ۵ و پایین‌ترین میانگین نمره‌ها مربوط به مرحله ۱ است. مقایسه میانگینهای دو جدول ۸ و ۹ بیانگر آن است که در ۶ مرحله، برتری نمره‌ها از آن مردان است. تنها در مرحله ۱، میانگین نمره‌های زنان بیشتر از مردان است.

ب. یافته‌های استنباطی

یافته‌های استنباطی پژوهش حاضر مشتمل بر ضرایب همبستگی ساده و تحلیلهای رگرسیون چند متغیری است. ضرایب همبستگی ساده در جدول ۱۰ و تحلیلهای رگرسیون در جداول ۱۱، ۱۲ و ۱۳ درج شده‌اند.

جدول ۱۰. ضرایب همبستگی ساده هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله هشتم آن در همه سالمندان و زنان و مردان سالمند به طور جداگانه

کل			مرد			زن			مراحل
N	p	r	n	p	r	n	p	r	
۴۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۵۴	۲۱۷	<۰/۰۰۱	۰/۵۷	۲۲۹	<۰/۰۰۱	۰/۵۵	اعتماد در برابر بی اعتمادی
۴۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۴۶	۲۱۷	<۰/۰۰۱	۰/۴۹	۲۲۹	<۰/۰۰۱	۰/۴۳	استقلال در برابر شرم و تردید
۴۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۳۸	۲۱۷	<۰/۰۰۱	۰/۴۱	۲۲۹	<۰/۰۰۱	۰/۳۳	ابتکار در برابر احساس گناه
۴۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۳۷	۲۱۷	<۰/۰۰۱	۰/۳۹	۲۲۹	<۰/۰۰۱	۰/۳۲	کوشایی در برابر احساس کهنتری
۴۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۵۰	۲۱۷	<۰/۰۰۱	۰/۴۹	۲۲۹	<۰/۰۰۱	۰/۴۹	هویت در برابر سردرگمی
۴۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۳۲	۲۱۷	<۰/۰۰۱	۰/۳۵	۲۲۹	<۰/۰۰۱	۰/۲۹	صمیمیت در برابر انزوا
۴۴۸	<۰/۰۰۱	۰/۵۲	۲۱۷	<۰/۰۰۱	۰/۵۱	۲۲۹	<۰/۰۰۱	۰/۵۰	زاینده‌گی در برابر بی حاصلی

مربوط به آن بیانگر این نکته هستند که بین هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون و مرحله هشتم همبستگی چندگانه وجود دارد. برای سنجش این فرضیه‌ها، روش رگرسیون چندمتغیری به روش ورود مکرر به کار بسته شده و نتایج در جدولهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ درج گردیده است.

همان طور که در جدول ۱۱ مشاهده می‌شود، هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله ۸، به مقدار $MR=0/62$ و $P<0/001$ برای

سالمند به طور جداگانه، مثبت و معنی دارند ($P<0/001$). شایان ذکر است که در هر سه گروه، بالاترین ضرایب به ترتیب به مراحل ۱ و ۸ ($0/55$ و $0/57$ و $0/54$)، ۷ و ۸ ($0/50$ و $0/51$ و $0/52$)، ۵ و ۸ ($0/49$ و $0/49$ و $0/49$) و ۲ و ۸ ($0/43$ و $0/49$ و $0/46$) اختصاص دارند. با توجه به یافته‌های جدول ۱۰، فرضیه‌های اول تا هشتم و فرضیه‌هایی که مربوط به زنان و مردان سالمند به طور جداگانه است، تأیید می‌شوند.

فرضیه هشتم پژوهش و دو خرده فرضیه

جدول ۱۲. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری ۷ مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله ۸ در زنان سالمند (به روش ورود)

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	MR	SR	F	ضرایب رگرسیون (β)						
					۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
اعتماد اساسی در برابر بی‌اعتمادی خودمختاری در برابر شرم و تردید ابتکار در برابر احساس گناه شایستگی در برابر حقارت هویت در برابر آشفتگی نقش صمیمیت در برابر تنهایی زاینده‌گی در برابر بی‌حاصلی	اعتماد اساسی در برابر بی‌اعتمادی	۰/۵۵	۰/۳۰	۱۰/۱۱۶ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۶۱$ $t = ۱۰/۰۵$ $P = ۰/۰۰۰$						
	خودمختاری در برابر شرم و تردید	۰/۵۶	۰/۳۲	۵۴/۲۱ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۵۰$ $t = ۶/۸۰$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۱۷$ $t = ۲/۳۱$ $P < ۰/۰۵$					
	ابتکار در برابر احساس گناه	۰/۵۷	۰/۳۲	۳۶/۴۶ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۴۹$ $t = ۶/۶۴$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۱۳$ $t = ۱/۵۷$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۷$ $t = ۰/۹۸$ $P > ۰/۰۵$				
	شایستگی در برابر حقارت	۰/۵۷	۰/۳۲	۲۷/۳۲ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۵۰$ $t = ۶/۵۶$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۱۴$ $t = ۱/۶۴$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۹$ $t = ۱/۱۱$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۴$ $t = ۰/۵۳$ $P > ۰/۰۵$			
	هویت در برابر آشفتگی نقش	۰/۵۸	۰/۳۴	۳۳/۱۲ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۴۳$ $t = ۵/۰۹$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۱۰$ $t = ۱/۱۶$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۴$ $t = ۰/۵۵$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۷$ $t = ۰/۹۹$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۱۹$ $t = ۲/۱۳$ $P < ۰/۰۵$		
	صمیمیت در برابر تنهایی	۰/۵۸	۰/۳۴	۱۹/۳۴ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۴۳$ $t = ۵/۱۳$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۱۰$ $t = ۱/۲۲$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۷$ $t = ۰/۶۷$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۷$ $t = ۱/۰۰$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۲۰$ $t = ۲/۲۱$ $P < ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۶$ $t = ۱/۰۶$ $P < ۰/۰۵$	
	زاینده‌گی در برابر بی‌حاصلی	۰/۶۰	۰/۳۶	۱۸/۵۳ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۳۶$ $t = ۴/۵۹$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۰۷$ $t = ۰/۸۸$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۵$ $t = ۰/۵۸$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۹$ $t = ۱/۲۲$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۱۴$ $t = ۱/۶۳$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۱۰$ $t = ۱/۲۶$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۲۶$ $t = ۳/۰۵$ $P < ۰/۰۵$

جدول ۱۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندمنظری ۷ مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله ۸ در مردان سالمند (به روش ورود)

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	MR	SR	ضرایب رگرسیون (β)								
				F	P	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
اعتماداساسی در برابر بی‌اعتمادی خوشدستخاری در برابر شرم و تروید ابتکار در برابر احساس گناه شایستگی در برابر حقارت هویت در برابر آشفتگی نقش صمیمیت در برابر تنهایی زاینده‌گی در برابر بی‌حاصلی		۰/۵۷	۰/۳۲	۱۰۵/۰۰ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۵۷۵$ $t = ۱۰/۲۴$ $P = ۰/۰۰۰$							
		۰/۶۵	۰/۴۲	۸۰/۵۹ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۴۶۱$ $t = ۸/۳۷$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۳۳۰$ $t = ۶/۱۷$ $P = ۰/۰۰۰$						
		۰/۶۵	۰/۴۳	۵۳/۷۱ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۴۵۱$ $t = ۷/۸۷$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۳۱۷$ $t = ۴/۸۱$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۴۵$ $t = ۰/۶۳$ $P > ۰/۰۵$					
		۰/۶۵	۰/۴۳	۴۰/۵۳ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۴۴۴$ $t = ۷/۷۰$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۲۲۹$ $t = ۲/۳۸$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۰۱۷$ $t = ۰/۲۲$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۶۳$ $t = ۰/۹۹$ $P > ۰/۰۵$				
		۰/۶۶	۰/۴۳	۳۲/۷۰ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۴۲۷$ $t = ۷/۱۷$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۲۵۸$ $t = ۳/۳۲$ $P < ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۱۰$ $t = ۰/۱۴$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۳۷$ $t = ۰/۵۴$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۸۸$ $t = ۱/۱۰$ $P > ۰/۰۵$			
		۰/۶۶	۰/۴۴	۲۷/۴۰ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۴۲۳$ $t = ۷/۰۸$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۳۳۱$ $t = ۳/۰۲$ $P < ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۰۲$ $t = ۰/۰۳$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۲۶$ $t = ۰/۳۸$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۸۶$ $t = ۱/۰۸$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۷۳$ $t = ۰/۹۶$ $P > ۰/۰۵$		
		۰/۶۶	۰/۴۴	۲۳/۷۳ ۰/۰۰۰	$\beta = ۰/۳۹۸$ $t = ۶/۴۰$ $P = ۰/۰۰۰$	$\beta = ۰/۲۱۸$ $t = ۲/۶۶$ $P < ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۰۱$ $t = ۰/۰۱$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۲۳$ $t = ۰/۳۳$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۷۲$ $t = ۰/۸۹$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۴۶$ $t = ۰/۵۸$ $P > ۰/۰۵$	$\beta = ۰/۰۹۶$ $t = ۱/۱۷$ $P > ۰/۰۵$	

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط هر یک از هفت مرحله اول نظریه اریکسون با مرحله هشتم "کمال در برابر نومیدی" بر روی نمونه نسبتاً گسترده‌ای از سالمندان خوزستانی اجرا گردید. اهمیت و حساسیت موضوع موجب گردید تا در نمونه‌گیری از بانک اطلاعاتی مرکز آمار ایران و برای اجرای طرح از همکاری دستیاران آموزش دیده استفاده به عمل آید. همچنین پیش از اجرای اصلی پژوهش، برای اطمینان‌یابی از روشنی و سادگی فهم ماده‌ها، سهولت اجرا و میزان اعتبار و پایایی "مقیاس تجدیدنظر شده مراحل رشد روانی - اجتماعی اریکسون" دو نمونه ۵۰ و ۱۷۰ نفری که متفاوت از نمونه اصلی تحقیق بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. تحلیل همبستگی و تحلیل رگرسیون چندمتغیری فرضیه‌های پژوهش را تأیید کردند و به طور کلی نشان دادند که:

۱. هر یک از هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون به طور جداگانه با مرحله هشتم رابطه مثبت معنی‌دار دارد.
۲. هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله هشتم همبستگی چندگانه دارد.

سالمندان همبستگی چندگانه دارد. این یافته نشان می‌دهد که با استفاده از متغیرهای پیش‌بین می‌توان ۳۹٪ واریانس متغیر ملاک را تبیین کرد.

از نتایج جدول ۱۲ معلوم می‌شود که هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله هشتم، به مقدار ۰/۶۰ ($MR=0/60$ و $P<0/001$) برای سالمندان زن همبستگی چندگانه دارد. در واقع، با توجه به متغیرهای پیش‌بین، ۳۶٪ واریانس متغیر ملاک تبیین می‌گردد.

نتایج جدول ۱۳ حاکی از آنند که هفت مرحله اول نظریه رشد روانی - اجتماعی اریکسون با مرحله هشتم، به مقدار ۰/۶۶ ($MR=0/66$ و $P<0/001$) برای سالمندان مرد همبستگی چندگانه دارد. این یافته گویای آن است که به کمک متغیرهای پیش‌بین می‌توان ۴۴٪ واریانس متغیر ملاک را تبیین کرد.

همچنین یافته‌های جدولهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ به ترتیب نشان می‌دهند که در کل نمونه، مراحل ۱، ۲، ۵ و ۷؛ در گروه زنان، مراحل ۱ و ۷ و در گروه مردان، مراحل ۱ و ۲ بهترین متغیرهای پیش‌بین مرحله ۸ هستند.

همچنین در کل نمونه، مراحل ۱، ۲، ۵ و ۷؛ در گروه زنان، مراحل ۱ و ۷ و در گروه مردان مراحل ۱ و ۲، بهترین متغیرهای پیش‌بین مرحله هشتم هستند.

برای تبیین نتایج این پژوهش باید از نگرش اریکسون به شخصیت انسان و ماهیت نظریه او کمک بگیریم. اریکسون هر چند که در دبستان روانکاوی تربیت یافته و از ایده‌های بکر و بدیع فرویدی الهام گرفته، خود نیز طرحی نوافکننده و به تدوین نظام جامعی برای شخصیت انسان پرداخته است. وی به جای تأکید بر نهاد، بیشتر به "من" و سهم فعال آن در تحول شخصیت توجه کرده و تا آنجا جلو رفته است که برخی از صاحب‌نظران، او را در زمره پیشگامان "روانشناسی من" به شمار آورده‌اند. همچنین اریکسون پا را از چارچوب مراحل رشدی فروید فراتر نهاده و با توجه به گستره حیات، به جای چهار مرحله، به سازمان دهی و ارائه هشت مرحله پرداخته است. از دیدگاه این روانشناس، مراحل رشدی در دوره نوجوانی پایان نمی‌پذیرند، بلکه تا دوره سالمندی و پایان حیات ادامه می‌یابند. گرچه بر اساس شواهد و مدارک علمی می‌پذیریم که سالهای کودکی و نوجوانی از لحاظ تکوین

شخصیت حائز اهمیت فراوانند، لیکن در پرتو دیدگاهها و پژوهشهای جدید، شکل‌گیری شخصیت را به یکی دو دهه ابتدای حیات محدود نمی‌سازیم. نه تنها انسان در کودکی و نوجوانی، بلکه در دوره‌های بعد و حتی در دوره سالمندی نیز به طور فعال با مسائل خاصی که می‌توانند بر شخصیت او اثرگذار باشند، درگیر است. به زعم اریکسون، سیر شخصیت و تحول "من" از آغاز تا پایان حیات، طی هشت مرحله که چون حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته‌اند، صورت می‌گیرد. گرچه هر یک از این مراحل در یکی از مقاطع سنی خاص بارز و فعال می‌شوند، لیکن بر مراحل دیگر نیز اثر می‌گذارند. پیوستگی مراحل و اثرگذاری و اثرپذیری آنها نکته ظریفی است که به روانشناسی اریکسون بیشتر عمق و معنی می‌بخشد. به عنوان مثال، گرچه اعتماد اساسی ویژگی مهم رشد روانی - اجتماعی نخستین سال حیات است، اما بر مراحل دیگر عمیقاً اثر می‌گذارد. یا گرچه احراز هویت ویژگی مهم رشد روانی - اجتماعی دوره نوجوانی است، لیکن هم از مراحل پیشین متأثر می‌شود و هم مراحل بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ضرایب هم‌بستگی ساده و چندگانه

(مندرجات جدولهای ۱۳-۱۰) و به تبع آنها فرضیه‌های تأیید شده پژوهش نشان می‌دهند که مراحل رشدی از پشتوانه تجربی برخوردارند و همان گونه که اریکسون اظهار داشته است، این مراحل به یکدیگر وابسته‌اند و موجب انسجام درونی نظام روانی او شده‌اند.

شواهد دیگری نیز در دست است که از آنها می‌توان برای تبیین یافته‌های پژوهش بهره جست. در طرح نسبتاً بزرگی که بر روی سالمندان خوزستانی اجرا گردید، علاوه بر مراحل رشد روانی - اجتماعی، ابعاد مختلف سلامت روانی و خشنودی از بازنشستگی سالمندان نیز مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج نشان دادند که مراحل رشدی اریکسون با سلامت روانی و خشنودی از بازنشستگی سالمندان نیز رابطه مثبت معنی‌دار دارند. از مجموعه این یافته‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که اولاً، اگر گذر از مراحل رشدی موفقیت‌آمیز یا به عبارت دقیقتر همراه با حل بحران یا تعارض باشد، سالمند به مرتبه کمال یا رشد یافتگی می‌رسد. ثانیاً، نیل به کمال یا

رشد یافتگی با سلامت روانی و خشنودی از بازنشستگی در ارتباط است.

آیا هماهنگی بین یافته‌های پژوهش حاضر و یافته‌های پژوهشهای غربی بر قدرت تعمیم‌پذیری نظریه اریکسون دلالت نمی‌کند؟ آیا همسویی بین یافته‌های مرتبط با مراحل رشد روانی - اجتماعی، سلامت روانی و خشنودی از بازنشستگی سالمندان خوزستانی بر انسجام و جامعیت دیدگاه اریکسون صحه نمی‌گذارد؟ پاسخ به این گونه پرسشها چندان ساده نیست، چون در کشور ما هیچ پژوهش دیگری در زمینه مراحل رشدی اریکسون انجام نگرفته است و در فرهنگهای غربی نیز، مسأله به طور گسترده بررسی نشده است. با وجود این، مجموعه یافته‌ها منطقاً حکم می‌کنند که خوش بینانه به موضوع بنگریم و همسویی بین یافته‌ها را به عنوان پشتوانه تجربی رویکرد اریکسون تلقی کنیم. البته چون در پژوهشهای روانشناختی، تکرار پژوهش و استفاده از ابزارهای گوناگون تحقیق حائز اهمیت است، باید در انتظار بمانیم تا پژوهشهای آینده بیشتر به کشف حقیقت کمک کنند.

منابع

فارسی

شولتز، دوان، شولتز، سیدنی ال. نظریه‌های شخصیت. ترجمه سیدمحمدی، یحیی (۱۳۷۷). تهران: نشر هما.

لاتین

- Bond, J., Coleman, P., & Peace, S. (1993). *Ageing in society*. London: Sage Publications Ltd.
- Bourne, E. (1978). The state of research on ego identity: A review and appraisal. Part 1. *Journal of Youth and adolescence*, 7, 223-257.
- Butler, R.N. (1963). The life review: An interpretation of reminiscence in the aged. *Psychiatry*, 26, 65-76.
- Butler, R.N. (1975). *Why survive? Being old in America*. New York: Harper & Row.
- Constantinople, A. (1969). An Eriksonian measure of personality development in college students. *Developmental Psychology*, 1, 357-372.
- Darling-Fisher, C. S., & Leidy, N.K. (1988). Measuring Eriksonian development in the adult: The Modified Erikson Psychosocial Stage Inventory. *Psychological Reports*, 62, 747-745.
- Domino, G., & Affonso, D. (1990). The IPB: A personality measure of Erikson's life stages. *Journal of Personality Assessment*, 54, 576-588.
- Domino, G., & Hannah, M.T. (1989). Effective functioning in the elderly: An application of Erikson's theory. *Journal of Personality Assessment*, 53, 319-328.
- Erikson, E.H. (1950). *Childhood and society*. New York: Norton.
- Erikson, E.H. (1959). *Identity and the life cycle: Selected papers. Psychological issues*, 1 (Monograph 1).
- Erikson, E.H. (1963). *Childhood and society* (2nd ed.). New York: Norton.
- Erikson, E.H. (1968). *Identity: Youth and crisis*, New York: Norton.
- Erikson, E.H. (1975). *Life History and historical moment*. New York: Norton.
- Erikson, E.H. (1980). *Identity and the life cycle*: New York: Norton.

- Erikson, E.H. (1982). *The life-cycle completed: A review*. New York: Norton.
- Hannah, M.T., Domino, G., Figueredo, A.J. & Hendrickson, R. (1996). The prediction of ego integrity in older persons. *Journal of Educational and Psychological Measurement*, vol. 56 (6), 930-950.
- Josselson, R.L. (1982). Personality structure and identity status in women as viewed through early memories. *Journal of Youth and Adolescence*, 11, 293-299.
- Marcia, J.E. & Friedman, M.L. (1970). Ego identity status in college women. *Journal of Personality*, 38, 249-263.
- Marcia, J.E. (1966). Development and validation of ego identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3, 551-558.
- Marcia, J.E. (1980). Identity in adolescence. In J. Adelson (ED.), *Handbook of adolescent psychology* (pp. 159-187). New York: Wiley.
- Molinari, V., & Reichlin, R.E. (1984-1985). Life review reminiscence in the elderly: A review of the literature. *International Journal of Aging and Human Development*, 20, 81-92.
- Muuss, R.E. (1996). *Theories of Adolescence*. New York: The Mc Grow- Hill Companies.
- Orlofsky, J.L. (1993). Intimacy status: Theory and research. In J.E. Marcia, A.S. Waterman.
- Orlofsky, J.L., & Frank, M. (1986). Personality structure as viewed through early memories and identity status in college men and women. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 580-586.
- Orlofsky, J.L., & Marcia, E., Lessre, I.M. (1973). Ego identity status and the intimacy versus isolation crisis of young adulthood. *Journal of Personality and Social Psychology*, 27, 211-219.
- Rosenthal, D.A., Gurney, R.M., & Moore, S.M. (1981). From trust to intimacy: A new inventory of examining Erikson stages of psychosocial development. *Journal of Youth and Adolescence*, 10(6), 525-537.
- Shultz, Duane & Shultz, Sydney Ellen (1998). *Theories of Personality*. (26 th Ed.).
- Sigelman, C.K. (1999). *Life- Span Human Development*. USA: Brooks / Cole

Publishing Company.

- Vander Zanden James W. (1995). Human Development, MacGraw Hill Inc.
- Villant, G.E. (1977). Adaption to life. Boston: Little. Brown.
- Waterman, C.K., Buebel, M.E., & Waterman, A.S. (1970). Relationship between resolution of the identity crisis and outcomes of previous psychological crisis. *Proceedings of the 78th Annual Convention of the American Psychological Association*. 5. 467-468.
- Whitbourne, S.K., & Tesch, S.A. (1985). A comparison of identity and intimacy statuses in college students and alumni. *Developmental Psychology*, 21, 1039-1044.